

سیاست پولی در نظام اقتصاد اسلامی



دکتر حسین عیوضلو
عضو هیات مدیره بانک توسعه صادرات ایران

ابزارهای نوین در نظام بانکداری اسلامی: چالشها و موانع

تفکر بانکداری اسلامی بیش از نیم قرن قدمت در کشورهای اسلامی و غیر آن دارد. این تفکر و حساسیت در برابر رخنه نهادهای بانکداری غربی در جوامع اسلامی به وجود آمده است. از آنجا که عملیات بانکداری با شبهه ربوی بودن همراه است، لذا متفکران مسلمان در طی این نیم قرن به دنبال پیدا کردن راه حل جایگزین بوده اند.

مهمترین روش در این زمینه ایده حذف ربا از سیستم بانکی بر اساس به کارگیری عقود اسلامی قابل تطبیق با نظام بانکداری است. به همین جهت ابتدا و قبل از همه به ضرورت استفاده از عقد قرض الحسنه برای کارهای عام‌المنفعه و حل مشکلات فقرا و نیازمندان تأکید شد و در مراحل بعدی روش Profit and Lose Sharing یعنی روش مشارکت در سود و زیان فعالیت اقتصادی به بحث عمده تبدیل شد. این روش به تقسیم نتایج فعالیت اقتصادی توجه دارد و طرفین قرارداد را به مشارکت واقعی در فعالیت اقتصادی و سهم بری بر اساس مشارکت تشویق می نماید. طراحان قانون بانکداری بدون ربا در ایران نیز روح این قانون را توجه به مشارکت و دوری از نرخ‌های مقطوع تعریف کردند و حتی به زعم بعضی از نظریه پردازان اقتصاد اسلامی هرگونه نرخ بازدهی از قبل تعیین شده ربا تلقی می گردید. بر این مبنا بحث‌های اقتصاددانان اسلامی اغلب به این نتیجه گیری منتهی می شد که اقتصاد اسلامی ماهیت بازار سرمایه دارد و لذا هیچ گونه بازار پول در این اقتصاد تجویز نشد. اما در عمل موانع زیادی در برابر این ایده مطرح شد و زمینه لازم برای گسترش این روش فراهم نشد. یکی از موانع عمده این بود که مشارکت در این نوع فعالیت‌ها به مسدود شدن نقدینگی می انجامد و لذا کسانی که سرمایه نقدی خود را به این گونه فعالیت‌ها اختصاص می دهند بایستی سال‌ها

انتظار بکشند تا به سرمایه اولیه و سود مورد انتظار دست یابند. حال آنکه این نوع افراد در اقتصاد معدودند و اغلب فعالان اقتصادی بر حسب نیازهای متعددی که دارند در برابر عمل به نقدینگی نیاز دارند. بنابر این این سؤال در برابر طراحان روش‌های اسلامی مطرح بود که نظام‌های اسلامی چه راه حل جایگزینی برای تأمین نقدینگی در همه زمان‌ها و تغییر تصمیم‌گیری در شرایط انصراف دارد؟ بانک‌ها در گام اول از روش نرخ سود علی الحساب برای این منظور استفاده کردند. اما واضح است که این راه حل از یک نظر شبهه صوری بودن عملیات بانکداری بدون ربا را تقویت کرده عملاً به تعبیر برخی تفاوت چندانی میان نرخ‌های علی الحساب و قطعی وجود ندارد و از سوی دیگر همه نیازهای متقاضیان همکاری با نظام بانکی را برآورده نمی سازد و بر اساس آن بازار ثانویه که یکی از الزامات نظام‌های تأمین مالی است شکل نمی گیرد. برای حل معضل فوق چند سالی است که متفکران اسلامی از ابزار صکوک (SUKUK) یا اوراق قرضه اسلامی استفاده می کنند. این ابزار جانشین انواع اوراق قرضه در نظام‌های مالی غربی گردیده و ۱۴ نوع است. اساس این ابزار به این حقیقت برمی گردد که نظام مالی اسلام فقط در ارتباط با بخش حقیقی اقتصاد اعتبار دارد. در نظام اسلامی پول منعکس کننده رفتار بخش حقیقی اقتصاد است و لذا بدون ارتباط با بخش حقیقی و واقعی اقتصاد نمی توان از بازار پول یا ابزار سیاست پولی استفاده نمود.

مساله دیگری که در تکمیل بحث صکوک مطرح می شود ضرورت پوشش ریسک (HEDGING) فعالیت اقتصادی است. این مساله به نفسه دارای اشکال نیست اما نکته مهم که به عنوان مبنا و جوهره نظام مالی اسلامی مطرح است - مشابه بحث صکوک - وابسته به بخش حقیقی بودن ریسک و پوشش آن می باشد. بر اساس

علیرغم

پیشرفت‌های گسترده در زمینه توسعه ابزارهای مالی در کشورهای اسلامی، ملاحظه می شود که روند تحول نظام بانکداری در ایران با کندی روبروست

فعالیت‌هایی که به صورت صفر در سطح خرد شروع می‌شود، به فعالیت‌هایی با مجموع منفی در سطح کلان می‌انجامد

اصول اسلامی نظیر اصل ثبات مالکیت و اصل تبعیت نما از اصل فعالیت‌هایی مشروع تلقی می‌شوند که ارزش افزوده واقعی اقتصاد را افزایش دهند. این معنا به تعبیر دیگر ضرورت مولد بودن فعالیت اقتصادی است که به زبان تئوری بازی‌ها نشانگر حمایت از "بازی‌های با مجموع مثبت" در فعالیت اقتصادی است. این در حالی است که اکثر ابزارهای مالی به ویژه در حوزه پوشش ریسک نقشی در بالا بردن ارزش افزوده واقعی اقتصاد ندارند و به اصطلاح "بازی با مجموع صفر" یا جا به جا شدن پول از جیبی به جیب دیگر هستند که نه تنها ارزش افزوده حقیقی ایجاد نمی‌کنند بلکه آثار منفی بر فعالیت‌های کلان اقتصادی دارند. در چارچوب این بحث دقیق اسلامی برخی از متفکران اسلامی به ویژه جناب آقای سامی سویلم ابزار جایگزینی را برای ابزار هجینگ متعارف معرفی نموده است. این ابزار در سال گذشته به تصویب کمیته شریعت بانک توسعه اسلامی رسیده و به این ترتیب گام مهمی برای تکمیل نظام بانکداری برداشته شده است.

علیرغم پیشرفت‌های گسترده‌ای که در زمینه توسعه ابزارهای مالی در کشورهای اسلامی به وجود آمده، روند تحول نظام بانکداری در ایران روند کندی دارد و با چالش‌های جدی و ناهمگونی در روش‌ها مواجه گردیده و در سال‌های اخیر مداخله سیاست در رفتارهای نظام بانکی نیز به اوج خود رسیده است. البته در کنار این رفتارهای ناهماهنگ همفکری‌های موفقی برای استانداردسازی فعالیت‌های نظام بانکی در چارچوب موازین شرعی به عمل آمده که نمونه آن آنگوی جدید بانکداری بدون ربا می‌باشد. در این الگو زمینه عقود با بازده ثابت و متغیر بر اساس عقود متعارف اسلامی به جهت شرعی و اقتصادی توجیه گردیده و بر این مبنای دست‌بندی جدیدی بر اساس عقود اسلامی برای نظام بانکی کشور پیشنهاد شده است. از جمله موارد دیگر بحث فقهی در خصوص صکوک اجاره و استصناع است یکی دیگر از پیشرفت‌ها در خصوص استانداردسازی فعالیت‌های بانک مرکزی بر اساس شریعت اسلام و دستاوردهای نظام بانکی ضرورت استفاده از ابزار سیاست پولی است که تاکنون زمینه بحث آن در کشور به وجود نیامده؛ اما در عمل اوراق مشارکت بانک مرکزی همین هدف را دنبال کرده است. در همین زمینه و به منظور تثبیت نقش بانک مرکزی در نظام اقتصادی کشور ابزار جدیدی با عنوان "اوراق تبدیل" با هدف حفظ ارزش پول در چارچوب سیستم حق و عدل معرفی گردیده است. این نوع نگاه به پول، سیاست پولی و نظام مالی؛ تأثیرگذاری سیاست در اقتصاد را در چارچوب موازین حق و عدل محدود کرده است.

سخنی در باب هجینگ (پوشش ریسک)

بطور کلی پوشش ریسک برای خنثی سازی و حداقل سازی ریسک بکار می‌رود. بر این اساس، پوشش

ریسک مبتنی بر اهداف اقتصاد اسلامی است. بنابراین نباید نگران ریسک بود. فقط موضوع این است که چگونه باید به این هدف رسید؟ و چه ابزاری ما را برای رسیدن به این هدف یاری می‌کند؟ اگر ابزاری فقط شامل سفته‌بازی محض و فعالیت‌های شرط بندی باشد، غیر مشروع خواهد بود زیرا طبیعت بازی با مجموع صفر به گونه‌ای است که چیزی بر ارزش افزوده حقیقی جامعه اضافه نمی‌کند و لذا بامبانی شرعی مغایرت دارد و باعث عدم ثبات و بی‌نظمی اجتماعی می‌گردد و از این جهت به تعبیر جناب سامی سویلم در کتاب (hedging) فعالیت‌هایی که بصورت مجموع صفر در سطح خرد شروع می‌شود، به فعالیت‌های با مجموع منفی در سطح کلان می‌انجامد.

ریسک قابل تحمل

متفکران اسلامی شرایطی را که تحت آن می‌توان ریسک را تحمل کرد و همچنین شرایطی را که تحت آنها نمی‌توان ریسک را تحمل کرد تبیین کرده‌اند. بطور کلی آنها شرایط زیر را برای ریسک قابل تحمل بیان کرده‌اند:

- ۱- غیر قابل اجتناب باشد، ۲- غیر مهم باشد، ۳- غیر عمدی باشد.

شرط اول بیان می‌دارد که ارزش افزوده بدون پذیرش ریسک زیان یا شکست، امکان پذیر نمی‌باشد. ریسک باید غیر قابل جداسازی از معاملات واقعی و ارزش افزا باشد. اما جداسازی ریسک از مبادلات واقعی ریسک بیشتری را بوجود می‌آورد و اقتصاد را بی‌ثبات تر می‌کند. از آنجائی که مشتقات، ریسک را از مالکیت و در نتیجه از فعالیت‌های واقعی جدا می‌کنند، لذا مخالف اصول اسلامی می‌باشند. جای تعجب نیست که بسیاری از شوره‌های فقهی، اختیارات و آتی‌ها را از دید شریعت غیر قابل پذیرش دانسته‌اند.

شرط دوم در مورد درجه ریسک است. یعنی احتمال شکست بسیار ناچیز باشد. متفکران اسلامی بیان می‌دارند که احتمال شکست باید کمتر از احتمال موفقیت باشد تا اینکه ریسک قابل پذیرش گردد. شرط احتمال موفقیت غالباً مترادف با این است که بگوییم اقدام مورد نظر منجر به (یا سبب) نتیجه موفق می‌گردد. لازم نیست که یک سبب، منجر به نتیجه نهایی قطعی گردد. تنها کافیست که احتمال موفقیت را بیشتر کند.

شرط سوم نتیجه دو شرط اول است. هدف یک فعالیت اقتصادی عادی، خلق ارزش است و نه ریسکی که لازمه این خلق ارزش باشد. بنابراین چنین ریسکی طبیعتاً نمی‌تواند انگیزه معامله باشد.

بر اساس همین دلایل و به منظور اجتناب از فعالیت‌هایی که ارزش افزوده حقیقی در اقتصاد ایجاد نمی‌کنند (بازی‌های با مجموع صفر) پیامبر گرامی اسلام شرایط دیگری را برای فروش عادی ذکر کرده است و آن این است که بیع، قبل از تملک صورت نمی‌گیرد و فرد نمی‌تواند چیزی را که ندارد بفروشد. این شرایط کمک می‌کنند که سیستم در کل به سیستم مثبت تبدیل شود.

ریسک بهره گیرند.

پوشش ریسک قراردادی هم بر ابزارهای انتفاعی و قراردادی متمرکز شده است. مضاربه، پوشش ریسک شخص ثالث، فروش با قیمت مؤجل یا بیع الأجل و قیمت مؤجل متنوع از جمله روش های اسلامی برای مقابله با ریسک و خطرات مرتبط با قراردادهای مالی محسوب می گردند. ساختار متنوع تا حدودی نزدیک به اوراق قرضه مبتنی بر کالا می باشد. ساختار این اوراق به گونه ای است که پرداخت های ثابت یا اصلی این اوراق از طریق قیمت برخی کالاها تعیین می شود.

از دیگر ابزارهای مناسب در این زمینه در کتاب السویلیم از انتقال ریسک به طرف مقابل در پوشش ریسک نرخ ارز در مراجه و قرارداد سلم مبتنی بر ارزش (Value-based Salam) نام برده شده است.

قرارداد سلم مدت ها قبل از پیغمبر (که سلام و صلوات خدا بر او باد) شناخته شده بود. پرداخت مبلغ به صورت پیشاپیش در عوض مقدار مشخصی از کالای تعریف شده، و جوه نقد مورد نیاز فروشندهگان را تأمین می کند و از طرف دیگر باعث تنزیل قیمت برای خریدار آن کالا می شود. در قرارداد سلم ارزش محور، ارزش بجای کمیت کالا می بایست پیشاپیش تعیین شود. ارزش به صورت حاصلضرب مقدار کالا در قیمت هر واحد آن یا حاصلضرب تعداد بشکه ها در قیمت هر بشکه تعریف شده است.

این ابزارها معمولاً دارای ساختار بازدهی مشابه با بازی های مجموع مرکب می باشند. بازی های مرکب تازمانی مورد تأیید هستند که هدف بازی، کسب نتیجه مثبت باشد. این ساختار، انتقال ریسک و بازده مشترک را با همدیگر ترکیب می کند، در حالی که اوراق مشتقه فقط انتقال مطلق ریسک را انجام می دهند، بدون اینکه فضایی برای بازدهی مشترک ایجاد کنند. این مطلب به این معناست که ابزارهای اسلامی منافع حاصل از انتقال ریسک را به وجود می آورند، بدون اینکه هزینه تضاد منافع و رفتارهای نسبی را ایجاد کنند. علاوه بر آن، اوراق مشتقه ریسک را به افرادی منتقل می کنند که تمایل بیشتری برای پذیرفتن آن دارند، اما این افراد ضرورتاً کسانی نیستند که قادر به مدیریت ریسک باشند. ابزارهای اسلامی در مقابل، ریسک را بیشتر به افرادی منتقل می کنند که از تمایل بیشتری برای قبول آن برخوردارند و توانایی قبول ریسک را نیز دارا هستند. از طرفی هدف این بازی، کسب بازدهی مشترک است. به موجب این هدف دو طرف قرارداد در پی خلق ارزش هستند و نه فقط معامله ریسک. از این رو، ریسک می بایست به افرادی منتقل شود که بهتر می توانند در خلق ارزش مشارکت داشته باشند، نه اینکه فقط بتوانند ریسک را تحمل کنند.

◆ مأخذ:

۱- کتاب hedging: تالیف: دکتر سامی السویلیم (ترجمه این کتاب آماده چاپ می باشد)؛

ربا، معاملات مالی را از معاملات واقعی جدا می کند. رشد بدهی ها در اثر ربا موجب شده که بخش مالی از رشد افزون تری نسبت به بخش واقعی اقتصاد برخوردار گردد. بهره مرکب موجب شده است که خدمات بدهی نسبت به درآمد واقعی رشد سریعتری داشته باشند و به سرعت در حال تصاحب سهم غالب درآمد واقعی می باشد. به جهت همین آثار نابودکننده ای که ربا دارد لازم است معاملات مالی در چارچوب قوانین محدودکننده اسلامی قرار گیرند. این قوانین معاملات مالی را در جهت انتقال آن به مسیر واقعی و طبیعی هدایت می کنند. این کار از بدو ظهور اسلام با نفی معاملات مبتنی بر اکل مال به باطل، غرر و غبن و به ویژه ربا توسط پیامبر اعظم انجام پذیرفت. دو مفهوم ربا و غرر برای تفکیک ترجیحات ذهنی از ثروت عینی به کار می رود. ربا، دربرگیرنده زمان است و غرر با ریسک مرتبط است. تفکیک زمان و ریسک از فعالیت های واقعی منجر به واگرایی میان بخش مالی و واقعی و افزایش هزینه ها در اقتصاد می شود و لذا مخالف اصل کارایی در اقتصاد است.

ابزارهای اسلامی برای پوشش ریسک

بر اساس نگرش اسلامی مهم این است که هر کسی که به دنبال بازدهی است باید در ریسک نیز مشارکت نماید. از این رو تعلق نرخ بهره برای دارنده سرمایه پولی که بازگشت اصل آن تعیین شده است ربا تلقی می شود و هیچگونه بازدهی به آن تعلق نمی گیرد. تعلق درآمد به این نوع دارایی یا سرمایه مالی بهره یا ربا خوانده می شود و حرام است. بنابراین، پوشش ریسک را می توان به مدیریت کردن ریسک معنا کرد و نه حذف آن.

سه نوع راهبرد ممکن در مورد پوشش ریسک، شامل موارد زیر است:

۱. پوشش ریسک اقتصادی (Economic Hedging)
 ۲. پوشش ریسک مشارکتی (Cooperative Hedging)
 ۳. پوشش ریسک قراردادی (Contractual Hedging)
- پوشش ریسک اقتصادی بر اساس اصل تانوع بخشی منابع و ایجاد تقارن میان دارایی ها و هزینه ها انجام می شود. در این زمینه پوشش ریسک ترازنامه از طریق تغییر اندازه یا تجدید قیمت دارایی ها و یا بدهی ها برای کاهش ریسک نرخ بهره انجام می گیرد.

پوشش ریسک مشارکتی بر اساس برنامه های توزیع و تسهیم ریسک بر مبنای مشارکت انجام می شود. این روش در مقابل بیمه تجاری است و از نظر بسیاری از علمای اهل سنت این نوع بیمه چندان مشروعیت ندارد و غرری تلقی می شود و لذا به جای آن از ابزار تکفل (TAKAFUL) یعنی بیمه اسلامی استفاده می کنند. پوشش ریسک مشارکتی یکی از راهبردهای اثربخش برای مدیریت ریسک های نرخ ارز می باشد. یکی از راه هایی که می توان برنامه های مشارکتی را برای نهادهای اسلامی کاربردی کرد، تأسیس یک صندوق مشارکتی برای توزیع و تسهیم ریسک نرخ ارز می باشد. اعضای که مالکیت این صندوق را بر عهده می گیرند می بایست برای متنوع سازی اثر بخش ریسک، از ابزارها و طرح های متفاوت مدیریت

◆ ریسک می بایست به افرادی منتقل شود که بهتر می توانند در خلق ارزش مشارکت داشته باشند، نه اینکه بتوانند ریسک را تحمل کنند

◆ هر کسی که به دنبال بازدهی است، باید در ریسک نیز مشارکت نماید